



مجله اخلاق پزشکی

دوره سیزدهم، شماره چهل و چهارم، ۱۳۹۸

doi: <https://doi.org/10.22037/mej.v13i44.23990>


Journal Homepage: <http://journals.sbm.ac.ir/me>



دسترسی آزاد

مقاله مروری

نقش سلامت معنوی در شکوفایی فطرت

محمدجواد ابوالقاسمی*^۱ 

۱. عضو هیأت علمی، پژوهشکده سازمان سمت، عضو گروه سلامت معنوی فرهنگستان علوم پزشکی ایران، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: موضوع فطرت یکی از مباحث پیچیده و مهم است که با ادبیات و رویکردهای گوناگون، توسط ادیان و حکما و حتی روان‌شناسان مورد بحث قرار گرفته است. هدف این مطالعه، تبیین مناسبات سلامت و فطرت به منظور واکاوی تأثیر سلامت معنوی بر شکوفایی فطرت است.

مواد و روش‌ها: در این مرور روایتی کتب و مقالات منتشره به صورت هدفمند، به دو شیوه دستی و الکترونیک در بانک‌های اطلاعاتی داخلی جستجو و تحلیل گردید. **یافته‌ها:** فطرت حسی در درون نوع انسان است که او را به سوی خداوند و تعالی فرا می‌خواند و تنها کسی می‌تواند از ظرفیت‌های فطرت در مسیر تکامل بهره‌مند شود که از سلامت معنوی برخوردار باشد. با توجه به این که دل و درک معنوی و درونی انسان، خاستگاه مشترک فطرت و سلامت معنوی می‌باشد، با پیرایش و نورانی ساختن دل، مقابله با عوامل بازدارنده و بهره‌مندی از سلامت معنوی، زمینه برای شکوفایی فطرت و کمال و تعالی انسان فراهم می‌گردد.

ملاحظات اخلاقی: صداقت و امانتداری در مطالعه و استناد به متون رعایت گردید. **نتیجه‌گیری:** یافته‌ها بر برخی توصیه‌ها و راه‌کارهای مبتنی بر سلامت معنوی با نگاه دینی، به منظور شکوفایی فطرت انسانی دلالت دارد.

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۰/۲۷

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۵/۱۶

تاریخ انتشار: ۹۸/۱۲/۱۱

واژگان کلیدی:

فطرت

سلامت معنوی

دل

کرامت

تعالی

* نویسنده مسئول: محمدجواد ابوالقاسمی

آدرس پستی: ایران، تهران، جلال آل احمد

غربی، سازمان سمت، پژوهشکده تحقیق

تلفن: +98 21 4426 3314

نمابر: -

E-mail:

abolghasemi110@gmail.com

۱. مقدمه

برای پاسخ به این سؤالات است که آیا انسان صرف نظر از ارتباط تشریحی و ارادی، رابطه طبیعی و تکوینی با خداوند دارد؟ آیا انسان در نهان خود به صورت طبیعی گرایش به کمال و حقیقت دارد؟ آیا دین ریشه در فطرت و ذات انسان دارد؟ ولی آنچه در این مطالعه به عنوان سؤال اصلی مطرح می‌باشد، این است که آیا سلامت معنوی می‌تواند بر شکوفایی فطرت اثر بگذارد؟ به همین دلیل باتوجه به پیچیدگی و اهمیت موضوع فطرت، در این مرور روایتی، ابتدا مفهوم فطرت و ویژگی‌های آن و تفاوت آن با گزینه توصیف گردیده و سپس برخی از موانع و عوامل بازدارنده و نیز نقش سلامت معنوی در شکوفایی فطرت تبیین می‌گردد.

۲. ملاحظات اخلاقی

صداقت و امانداری در مطالعه و استناد به متون رعایت گردید.

۳. مواد و روش‌ها

در این مرور روایتی منابع اسلامی به ویژه قرآن و احادیث رسیده از سوی معصومان (ع)، کتب و مقالات منتشره به صورت هدفمند، با روش تحلیل محتوای کیفی و به دو شیوه دستی و الکترونیک در بانک‌های اطلاعاتی داخلی جستجو و تحلیل گردید.

۴. یافته‌ها**۴-۱. مفهوم‌شناسی فطرت**

واژه فطرت از ریشه «فطر» است و فطر در لغت، به معنی شکافتن از طول و ایجاد و آفرینش بدون داشتن سابقه است. کلمه «فطرت» مصدر نوعی بر وزن «جلسه» به معنی خصوصیات و کیفیت ویژه‌ای است که در آغاز آفرینش، برای هر پدیده‌ای در نظر گرفته شده است (۷). بنابراین فطرت هر چیزی، کلیه ویژگی‌ها و خصوصیات است، که بر اساس آن‌ها خلق شده است (۸). آیت‌الله جوادی آملی در تعریف فطرت

بحث فطرت یکی از مباحث پیچیده و مهم است که با ادبیات و رویکردهای گوناگون، توسط ادیان و حکما و متکلمان و حتی روان‌شناسان مورد بحث قرار گرفته و همگان به این نکته اشاره دارند که در درون انسان، حس مرموزی وجود دارد که او را به سوی خدا و ماورای طبیعت می‌کشاند و او را به سوی خوبی‌ها و دوری از بدی‌ها هدایت می‌کند. مبنای مباحث انسان‌شناسی فطرت است و از این رو است که استاد مطهری فطرت را «المعارف مسائل انسانی» دانسته‌اند. همه انسان‌ها از استعدادهای فطری برخوردار هستند و تفاوت آنان در شدت و ضعف این استعدادها است. استعدادهای فطری امکان رشد دارند و منحرف و مسخ نمی‌شوند، بلکه این انسان است که از فطرت خود فاصله می‌گیرد (۱). بنابراین فطرت انسان از خصلت تعلیم‌پذیری و تربیت برخوردار است، به همین دلیل برخی عوامل می‌توانند در خاموشی یا شکوفایی آن تأثیر بگذارند.

یکی از عواملی که می‌تواند در شکوفایی فطرت اثر بگذارد، سلامت معنوی (Spiritual Health) است که به عنوان رکن چهارم سلامت به رسمیت شناخته شده است. مبنای عمل انسان سالم از دیدگاه آموزه‌های اسلامی، فطرت پاک الهی است (۲). سلامت معنوی پاک‌ی دل و پرهیز از گناهان و راهی به سوی کرامت متعالی و تعالی همه‌جانبه انسان است (۳). سلامت معنوی نوعی حالت و دریافت قلبی و روحی اطمینان‌بخش است که خاستگاه اصلی آن قلب یا دل انسان است؛ این حالت، از اعتقاد و اعتماد به قدرتی برتر و متفاوت از عوامل مادی و پیرامونی ناشی می‌شود و نتیجه مقابله با عوامل بازدارنده سلامت معنوی و پرهیز از گناهان، پاک‌ی دل، افزایش امید، رضایتمندی و نشاط درونی است (۴-۵). علامه طباطبایی بر این عقیده‌اند که بقای بر فطرت پاک الهی و اخلاص باعث فاصله‌گرفتن از گناه و بهره‌مندی از قلب سلیم می‌گردد (۶).

بحث فطرت در حقیقت، بحث از ساختار وجودی و ابعاد معنوی و روحی انسان است. این بحث در حوزه مسائل کلامی

است؛ «فطرت انسان، یعنی ویژگی‌هایی در اصل خلقت و آفرینش انسان»؛ «مسأله فطرت با مسأله تربیت خویشاوندی خاصی دارد» (۱۰).

کلمه فطرت و دیگر واژه‌های مشتق از آن ماده، در متون اسلامی، اعم از قرآن و حدیث، به معنای خلقت و سرشت انسان در سوره انعام آیه ۷۹ به کار رفته است: «انی وجهت وجهی للذی فطر السموات و الارض؛ من رویم را به سوی معبودی قرار می‌دهم که آسمان‌ها و زمین را آفریده است.» همچنین سوره الاسراء آیه ۵۱ و فاطر آیه ۱ (۱۱). امام علی (ع) فلسفه بعثت پیامبران را شکوفایی فطرت دانسته و می‌فرماید: «پس از آن خداوند پیامبرانش را یکی پس از دیگری مبعوث کرد تا از مردم انجام پیمان فطری آن‌ها را بخواهند و نعمت‌های فراموش شده خدا را به یاد آن‌ها بیاورند. خداوند پیامبران را برانگیخت تا مردم را به انجام تعهدهای فطری‌شان دعوت کنند» (۱۲).

فطرت در انسان، شامل کلیه خصوصیات نباتی و حیوانی و انسانی می‌شود؛ آن خصوصیتی که در خلقت انسان در نظر گرفته شده است. علاوه بر متون اسلامی، اکثر علما و دانشمندان اسلامی که واژه «فطرت» را در نوشتار و گفتار خود به معنی گرایش‌ها و بینش‌های متعالی که به انسان اختصاص دارد، به کار برده‌اند، ارزش‌هایی چون حقیقت‌طلبی، کمال‌طلبی، عدالت‌خواهی و زیباپسندی را مورد نظر قرار داده اند (۱۳). علی (ع) در این زمینه می‌فرماید: «... لم یشرکه فی فطرتها فاطر... إن فاطر النمله هو فاطر النخله؛ هیچ آفریننده ای در آفرینش آن (مورچه)، با او شرکت نکرده و تحقیقاً آفریدگار مورچه، همان آفریدگار درخت خرماست» (۱۲).

اگرچه واژه فطرت در قرآن فقط یک بار به کار رفته است، اما موضوع فطرت انسان با عبارات گوناگون بیان گردیده است. در سوره روم آیه ۳۳ آمده است: «فاقم وجهک للذین حنیفا فطره الله الّتی فطر الناس علیها لا تبدیل لخلق الله

می‌گوید: «فطرت که همان بینش شهودی انسان به هستی محض و گرایش آگاهانه و کشش مشاهدانه و پرستش خاضعانه نسبت به حضرت او است؛ نحوه خاصی از آفرینش است که حقیقت آدمی به آن نحوه سرشته شده و جان انسانی به آن شیوه خلق شده است.» فطرت از سنخ هستی و وجود است نه از سنخ ماهیت و چون ماهیت ندارد؛ نه تعریف حدی دارد و نه تعریف رسمی، بلکه تعریف شرح اسمی دارد، یعنی همان خلقت ویژه انسان که در نهاد او گرایش و شهود خاص نهفته است. ملاک فطری بودن به آن است که انسان بالطبع به طرف آن کارها گرایش دارد. کارهایی که اولاً با ساختار درونی انسان هماهنگ است؛ ثانیاً با هدفی که در پیش دارد متناسب و سازگار است (۹). شهید مطهری پس از جمع‌بندی نظریه‌های مختلف پیرامون فطرت می‌گوید: کلمه «فطر» مساوی با ابداع و اختراع است، یعنی علمی که از روی چیز دیگری تقلید نشده است. وی می‌نویسد «انسان به نوعی از جهت و سرشت و طبیعت آفریده شده است که برای پذیرش دین آمادگی دارد و اگر به حال خود و به حال طبیعی رها شود، همان راه را انتخاب می‌کند، مگر این‌که عوامل خارجی و قشری او را از راهش منحرف کرده باشد. فطریات مسائلی است که امروزه به نام انسانیت از آن یاد می‌شود. وقتی می‌گوییم این ملاک‌ها فطری است، یعنی از ذات انسان می‌جوشد و انسان موجودی است که بذر این ملاک‌ها در عمق وجودش کاشته شده است و وجود دارد» (۱۰).

انسان با استعداد و خصلت‌های بالقوه به دنیا می‌آید. به قول کسانی که منکر فطرت هستند، انسان در ابتدای تولد حکم تخته سیاه را دارد، یعنی یک صفحه خالی است، هر چه روی آن بنویسد همان را نوشته‌اید و به قول کسانی که قائل به فطرت‌اند، انسان حکم بذری را دارد که استعداد درخت شدن و ثمره دادن در ذاتش هست: «این‌که قرآن برای انسان قائل به فطرت است، یک نوع بینش خاص درباره انسان است؛ «تربیت» یعنی رشد دادن و پرورش دادن و این مبتنی بر قبول کردن یک سلسله استعدادها و ویژگی‌های ذاتی در انسان

است و راهی است که انسان برای رسیدن به سعادت باید پیماید (۱۴).

فطرت و حس خداجویی، منحصر به منابع دینی و اسلامی نیست، بلکه در آثار روان‌شناسان و متألهان مسیحی نیز با ادبیات مختلف تبیین گردیده است. بسیاری از فیلسوفان و متکلمان، «اجماع عام» انسان‌ها را پشتوانه بعضی عقاید و آموزه‌ها می‌شمارند. از جمله کسانی که طرفدار برهان‌هایی از این نوع بوده‌اند، «سیسرون»، «سنکا»، «کلمنت اسکندرانی»، «هربرت اهل چربری»، «افلاطونیان کیمبریج»، «گاسندی» و «گروتیوس» را می‌توان نام برد (۱۵). یونگ می‌گوید: «روح یا جان (Soul) آدمی، فطرتاً دارای کارکرد دینی است» (۱۶). بنابراین فطرت با ادبیات و تعاریف مختلف در بین صاحبان ادیان و متکلمان و فیلسوفان و حتی روان‌شناسان شناخته شده است و همگان اتفاق نظر دارند که حسی در درون انسان است که او را به سوی خداوند و کمال و تعالی فرامی‌خواند.

۴-۲. ویژگی‌های فطرت

از آنجا که انسان، از جسم و روح بهره‌مند است، دارای ابعاد مادی و معنوی می‌باشد و هر کدام از این ابعاد ویژگی‌های خاصی دارند. در برخی از خصوصیات باطبیعت بی‌جان، از جمله جمادات، نباتات و در برخی با جانداران اشتراک دارد و برخی از آن خصوصیات، مختص خود اوست. فطرت با عناصری چون عادت، طبیعت و عقل تفاوت‌های اساسی دارد. وجه اشتراک میان فطرت و غریزه این است که هر دو، جنبه عمومی و همگانی دارند و در همه افراد دیده می‌شوند، اما چند اختلاف عمده دارند: اول غریزه هم از اختصاصات انسان است هم حیوان، ولی فطرت مختص به انسان است؛ دوم غریزه مبنای فیزیولوژی دارد، در حالی که امور فطری چنین نیست؛ سوم جایگاه فطرت روح انسان است، اما غریزه با یکی از اجزای بدن انسان مرتبط است؛ چهارم شاخصه اصلی فطرت بار معرفتی و دانایی اوست، چون اگر با دانایی و معرفت همراه شود بر غریزه غلبه پیدا می‌کند و انسان را تا بی‌نهایت ترقی می‌دهد، ولی اگر همراه نگردد، توسط سایر غرایز منفعل و

ذلك الدين القيم؛ پس، چهره «جان» خود را به طور مستمر متوجه دین مستقیم قرار بده، دینی که خداوند، انسان را بر اساس آن آفریده است و هیچ‌گاه چیزی جایگزین آن نمی‌شود.». علاوه بر این، در آیات دیگر به ابعاد فطرت انسان می‌پردازد. برای مثال در سوره شمس آیات ۷ و ۸ می‌فرماید: «و نفس و ما سویها فالهما فجورها و تقویها؛ قسم به جان و آنکه جان را آفرید و در نظامی استوار قرار داد، سپس خوبی‌ها و بدی‌های او را به خودش الهام کرد.»؛ در سوره حجر آیه ۲۹ می‌فرماید: «فاذا سویته و نفخت فیه من روحی فقعوا له ساجدین؛ آنگاه که آفرینش او را تکمیل کردم، و از روح خودم بر او دمیدم در برابر او به تعظیم، فرود آید.» در روایت‌های رسیده از سوی معصومین (ع) تأکید شده است که سرشت انسان به گونه‌ای است که به صورت طبیعی گرایش به خداوند و کمال و تعالی دارد و اگر زنگارها زدوده شود، انسان به جز راه توحید و صلاح راه دیگری نمی‌رود. علی (ع) می‌فرماید: «... و فاطرم علی معرفتة ربوبیته الدال علی وجوده بخلقه؛ آن‌ها را بر معرفت خود آفرید و خلقش بر وجود او دلیل است.» این روایت بیانگر آن است که معرفت خداوند در نهاد همه انسان‌ها نهاده شده است و هر کسی، خدای خود را می‌شناسد. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «کل مولود یولد علی الفطرة حتی یكون ابواه یهودانه و ینصرانه؛ هر نوزادی بر فطرت زاده می‌شود تا این‌که پدر و مادرش او را پیرو، کیش یهودی یا نصرانی می‌گردانند.» علامه طباطبایی در جلد شانزدهم تفسیر شریف المیزان، فصلی را به فطری بودن دین اختصاص داده است. در این نگاه، بحث فطرت از جنجال‌های فلسفی و محدود شدن در این‌که آیا می‌تواند به عنوان یک برهان در خداشناسی باشد یا نه؟ فراتر رفته و فطرت به عنوان بستر دین در وجود آدمی تعریف گردیده است. دینی که روش زندگی

به خوردن و جنس مخالف تمایل دارد. به کسب قدرت، تفوق خواهی، برتری طلبی و... نیز تمایل دارد که این تمایلات در روان‌شناسی به عنوان «امور روحی» و لذات ناشی از آن «لذات روحی» نامیده می‌شود (۱۰). بنابراین وجود یک چنین گرایش‌هایی در وجود انسان غیر قابل انکار است که به برخی از این موارد اشاره می‌گردد.

۱-۳-۴. حقیقت‌جویی: هر انسانی بدون استثنا کنجکاو است و می‌خواهد حقیقت هر پدیده‌ای را بشناسد و از اسرار آن آگاه گردد. این حس که حس «حقیقت‌جویی» یا «دانایی» نامیده می‌شود، مطلوب همه انسان‌هایی است که مایل هستند در مسیر رشد و ترقی خود گام بردارند. در علم روان‌شناسی این حس را «حس کاوش» می‌نامند (۱۰) و بخش عمده مسائل تربیتی کودکان بر این اساس برنامه‌ریزی می‌شود. حس «حقیقت‌جویی» غایت و هدف فلسفه را تشکیل می‌دهد و همواره فیلسوفان در پی کشف حقایق جهان هستی می‌باشند.

۲-۳-۴. خداجویی: با این‌که حقیقت‌جویی و کنجکاوی انسان به خداوند منتهی می‌گردد؛ انسان در جستجوی خداوند نیز هست. علامه طباطبایی قدس سره می‌فرمایند: «از روزی که تاریخ نقلی نشان می‌دهد و یا با کنجکاوی‌های علمی از روزگارهای ماقبل تاریخ به دست می‌آید، بشر از اولین روزهای پیدایش خود هرگز در این موضوع آرام نگرفته و پیوسته به جستجوی خداوند پرداخته و همیشه مبارزه اثبات و نفی در این باب بر پا بوده است» (۱۷). اگر اثبات این موضوع را فطری ندانیم (با این‌که فطری است)، اصل بحث از آفریدگار جهان فطری است.

۳-۳-۴. گرایش به جمال: هر انسانی زیبایی‌ها را دوست دارد و برای به دست آوردن آن‌ها تلاش می‌کند.

۴-۳-۴. جستجوی کمال مطلق: انسان در جستجوی آن است که زیبایی محض و کمال مطلق را بیابد و با موجودی آشنا گردد که مظهر همه کمالات باشد و هیچ زشتی و کاستی را در وجود او راهی نباشد.

بی‌خاصیت می‌گردد. فطریات، معیارهایی دارند که در ذیل بر می‌شماریم:

۱-۲-۴. ذاتی‌بودن: همانطور که اشاره شد، فطرت ویژه نوع انسان است، از جان و روان انسان جوشیده و هیچ عاملی، خارج از وجود انسان، آن‌ها را پدید نیاورده است و انسان آن‌ها را از هیچ کسی نیاموخته و نمی‌آموزد.

۲-۲-۴. همگانی‌بودن: فطرت در وجود هر انسان، از هر نژاد، ملیت، با هر عقیده و در هر شرایط سنی و جغرافیایی وجود دارد.

۳-۲-۴. ثبات: خصوصیات فطری، هیچ‌گونه و از هیچ کسی جدا نمی‌شود. همیشه، همراه انسان‌ها وجود داشته و دارد، اگرچه ممکن است که در اثر عوامل خارجی، ضعیف و خاموش بماند، اما پس از برطرف شدن مانع و عامل خارجی نمایان می‌شود.

۴-۲-۴. سرمایه اولیه برای کمال و تعالی انسان: با رشد فطریات و بعد معنوی وی، تعالی انسان تحقق می‌یابد. هر کدام از فطریات انسان رشد کند و بارور گردد، بخشی از کمالات بالقوه انسان فعلیت یافته است.

۵-۲-۴. ایجاد نگرانی در عدم رشد: از آنجا که فطریات، خواست‌ها و نیازمندی‌های حقیقی انسان می‌باشد و با رشد و تأمین آن‌ها، کمال انسان تحقق می‌یابد، در صورت خاموش ماندن و پاسخ مثبت نیافتن، کمبود و نگرانی در وجود انسان پدید می‌آید و انسان احساس می‌کند، گم‌شده‌ای دارد که به آن دست نیافته است. چنین انسانی، از آرامش فکری و روحی، برخوردار نیست.

۳-۴. گرایش‌های فطری

پس از بیان مفاهیم، ملاک‌ها و نشانه‌های فطریات و وجود فطریات ادراکی و شناختی، این سؤال مطرح می‌گردد که آیا در قلمرو خواست‌ها، کشش‌ها و جذبه‌های مختلف، برای فطرت جایگاهی وجود دارد؟ با نگاه اجمالی به نوع کشش‌ها و تمایلات انسانی به خوبی مشاهده می‌کنیم که انسان هم خواست جسمی دارد و هم خواست روحی، به همان میزان که

۴-۳-۵. میل به جاودانگی: هر انسانی حیات خود و استمرار آن را دوست دارد و تلاش می‌کند که باقی بماند و جاودانه گردد. ۴-۳-۶. میل به ارزش‌ها و فضایل اخلاقی: پیشرفت‌ها و فناوری‌ها، اگرچه فایده‌های بسیاری را به همراه داشته، اما بعضاً موجب افول عواطف و ارزش‌های انسانی و اخلاقی و ناامیدی به جای شادی و امید گردیده است. در چنین شرایطی بهترین دستاویزهایی که می‌تواند آرام روحی بشریت را درمان نماید، منشأ لایزال الهی است که موافق فطرت اوست. خاستگاه ارزش‌های اخلاقی فطرت انسان است. انسان همواره علاقمند به دستیابی و گسترش ارزش‌های اخلاقی می‌باشد که اهم آن ارزش‌ها عبارت از اموری چون عدالت‌خواهی، انسان‌دوستی، خدمت به دیگران، ایثار و فداکاری، گذشت پس از پیروزی، چشم‌پوشی از لذت‌های مادی و... است.

۴-۴-۴. موانع شکوفایی فطرت: با عنایت به آنچه بیان گردید، فطرت و سرشت انسان میل به خوبی و تعالی دارد، ولی با موانع و مشکلاتی مواجه می‌شود که نمی‌تواند نقش خود را به خوبی ایفا کند. عواملی وجود دارد که بر روی فطرت سایه می‌اندازد و مانع آن فطرت می‌شود که با استفاده از آیات قرآن و روایات، در زیر به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

۴-۴-۴. هواپرستی: در سوره جاثیه آیه ۲۳ آمده است: «کسی را که تمایلات نفسانی خود را معبود خود قرار داد، مشاهده نکردی؟ که چگونه خداوند او را بر دانایی، گمراه ساخت! و بر گوش و قلب او مهر زد و بر دیده او پرده آویخت.» امام علی (ع) در این باره می‌گوید: «بیشترین چیزی که بر شما نگران هستم، دو چیز است، پیروی از هواهای نفسانی و آرزوهای طولانی. پیروی از هواهای نفسانی انسان را از حق باز می‌دارد، اما آرزوی طولانی، آخرت را از یاد می‌برد و چیره‌شدن هوای نفس، دین و عقل را تباه می‌کند، همه گمراهی‌ها، در پیروی از هوای نفس نهفته است» (۱۸).

۴-۴-۴. بی‌تفاوتی نسبت به سخن حق: در سوره کهف آیه ۵۷ آمده است: «چه کسی ستمکارتر از آن کسی است که آیات خدا را متذکر شد و از آن اعراض کرد و کارهایی که انجام داده بود، همگی را از یاد برد و ما بر دل‌های آن‌ها، پرده قرار دادیم تا فهم نکنند و گوش‌هایشان را سنگین ساختیم، پس از آن هرچه آن‌ها را به حق دعوت نمایی، هرگز هدایت نمی‌شوند.»

۴-۴-۷. اعراض از ذکر خداوند: در سوره طه آیات ۱۲۴ و ۱۲۶ آمده است: «هر کسی که از ذکر من اعراض کند، زندگی او در فشار خواهد بود و او را، روز قیامت کور محسور می‌کنیم.»

۴-۴-۸. پذیرش سلطه شیطان: در سوره مجادله آیه ۱۹ آمده است: «شیطان بر آن‌ها سخت مسلط شده و یاد خدا را از دل آن‌ها برد، آن‌ها حزب شیطان هستند.»

۴-۴-۹. فساد در زمین، ستم و برتری‌طلبی: در سوره نمل آیات ۱۴-۱۳ آمده است: «آنگاه که آیات ما به طور روشن به آن‌ها ارائه شد، گفتند، این، جادوی آشکار است، با این‌که به

۴-۳-۵. میل به جاودانگی: هر انسانی حیات خود و استمرار آن را دوست دارد و تلاش می‌کند که باقی بماند و جاودانه گردد.

۴-۳-۶. میل به ارزش‌ها و فضایل اخلاقی: پیشرفت‌ها و فناوری‌ها، اگرچه فایده‌های بسیاری را به همراه داشته، اما بعضاً موجب افول عواطف و ارزش‌های انسانی و اخلاقی و ناامیدی به جای شادی و امید گردیده است. در چنین شرایطی بهترین دستاویزهایی که می‌تواند آرام روحی بشریت را درمان نماید، منشأ لایزال الهی است که موافق فطرت اوست. خاستگاه ارزش‌های اخلاقی فطرت انسان است. انسان همواره علاقمند به دستیابی و گسترش ارزش‌های اخلاقی می‌باشد که اهم آن ارزش‌ها عبارت از اموری چون عدالت‌خواهی، انسان‌دوستی، خدمت به دیگران، ایثار و فداکاری، گذشت پس از پیروزی، چشم‌پوشی از لذت‌های مادی و... است.

۴-۴-۴. موانع شکوفایی فطرت: با عنایت به آنچه بیان گردید، فطرت و سرشت انسان میل به خوبی و تعالی دارد، ولی با موانع و مشکلاتی مواجه می‌شود که نمی‌تواند نقش خود را به خوبی ایفا کند. عواملی وجود دارد که بر روی فطرت سایه می‌اندازد و مانع آن فطرت می‌شود که با استفاده از آیات قرآن و روایات، در زیر به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

۴-۴-۴. هواپرستی: در سوره جاثیه آیه ۲۳ آمده است: «کسی را که تمایلات نفسانی خود را معبود خود قرار داد، مشاهده نکردی؟ که چگونه خداوند او را بر دانایی، گمراه ساخت! و بر گوش و قلب او مهر زد و بر دیده او پرده آویخت.» امام علی (ع) در این باره می‌گوید: «بیشترین چیزی که بر شما نگران هستم، دو چیز است، پیروی از هواهای نفسانی و آرزوهای طولانی. پیروی از هواهای نفسانی انسان را از حق باز می‌دارد، اما آرزوی طولانی، آخرت را از یاد می‌برد و چیره‌شدن هوای نفس، دین و عقل را تباه می‌کند، همه گمراهی‌ها، در پیروی از هوای نفس نهفته است» (۱۸).

۴-۴-۲. خودبزرگ‌پنداری و زورگویی: در سوره غافر آیه ۳۵ آمده است: «آنان که بدون داشتن برهان و دلیل روشن، به بحث و جدل در مورد آیات خدا بر می‌خیزند، این کار آن‌ها در نزد

راه رسیدن به خویشترنداری و خودکنترلی از نگاه قرآن و روایات، اتخاذ دو رویکرد شناختی و رفتاری است. راه کارهای شناختی همچون خداشناسی، خودشناسی و رفتاری مثل صبر، حیا، خوف و امید، انسان را در رسیدن به خودکنترلی یاری می‌کنند و هنگامی که صفات پسندیده درون آدمی شکل بگیرند، زندگی سراسر آرامش می‌شود و اضطراب در آن جایی ندارد (۲۰-۲۱).

عوامل و موانعی که به عنوان عوامل بازدارنده سلامت معنوی از آن‌ها یاد می‌شود، بخشی از بیماری‌های روحی و قلبی است که بر فطرت سایه می‌اندازد و کارکرد آن را برای دستیابی به حقیقت با مشکل مواجه می‌سازد (۱۹). بنابراین تنها کسی می‌تواند از ظرفیت‌های فطرت در مسیر تکامل بهره‌مند شود که از سلامت معنوی برخوردار باشد. سلامت معنوی می‌تواند فطرت را شکوفا کند و زنگارها را بزداید. در این نگاه، قلب انسان که خاستگاه اصلی سلامت معنوی و جایگاه فطرت می‌باشد، نورانی می‌گردد؛ چشم قلب بر روی جهان گشوده می‌شود و به راحتی می‌تواند بر موانع و عوامل بازدارنده غلبه نموده و راه کمال و کمال‌خواهی را بییماید. در این نگاه، سلامت معنوی به منزله مادر و اساس سلامتی است و سایر اضلاع دیگر سلامت در سایه سلامت معنوی قرار می‌گیرند و از آن ارتزاق می‌کنند. بنابراین سلامت معنوی به فطرت کمک می‌کند تا بر موانع و عوامل بازدارنده غلبه نموده و در کمال انسان و هدایت وی به سوی کرامت متعالی وی را یاری می‌رساند (۳-۵).

می‌توان گفت برای شکوفایی فطرت و تحقق سلامت معنوی در فرد و جامعه، قرآن و آموزه‌های معصومین (ع) می‌توانند بهترین نسخه‌های شفابخش را ارائه کنند و در این رشته امامان معصوم و اولیای الهی بهترین پزشکان و پرستاران به حساب می‌آیند. بر این اساس، فراهم‌نمودن زمینه برای عملیاتی‌نمودن رهیافت‌های تحقق و اعتلای سلامت معنوی بر گرفته از منابع وحی، با بهره‌گیری از روش‌های تحقیق کمی و کیفی در سطوح فردی و اجتماعی توصیه می‌گردد (۵).

حق بودن آیات ما اطمینان داشتند، اما آن را از سر ستمگری و بلندی طلبی انکار کردند.»

۴-۱۰. پیمان‌شکنی و کفر: در سوره لقمان آیه ۳۲ آمده است: «هرگاه (در دریا) موج، چون کوه‌ها آن‌ها را فراگیرد، خدا را با اخلاص می‌خوانند و دین را مختص او می‌دانند. وقتی نجات یافتند و به خشکی رسیدند، تنها برخی، بر طاعت خداوند باقی می‌مانند و آیات ما را جز آنکه پیمان‌شکنی و کفر را شیوه خود ساخته، انکار نمی‌کنند.»

۴-۵. سهم سلامت معنوی در شکوفایی فطرت

سلامت معنوی با نگاه محدود و حداقلی، عبارت است از بهره‌وری از معنویت و امور معنوی در سلامت جسمی، ولی در نگاه غیر محدود و حداکثری عبارت است از حالت امنیت، اطمینان و آرامش قلبی و روحی که از اعتقاد و اعتماد به منبع و قدرتی برتر و متفاوت از عوامل مادی و پیرامونی که در فرهنگ اسلامی غیر از خداوند نمی‌تواند باشد، ناشی می‌شود و باعث افزایش امید، رضایتمندی و نشاط درونی می‌گردد و در نهایت، باتقویت و معنابخشی به دیگر اضلاع سلامت باعث سلامت و تعالی همه‌جانبه انسان می‌گردد (۳).

همان‌گونه که در تعریف سلامت معنوی اشاره شد، سلامت معنوی باعث افزایش امید، رضایتمندی و نشاط درونی می‌گردد، این حالت است که قطره را به دریا وصل می‌کند و به یاری انسان غریب و گم‌شده در کویر یأس می‌آید، فطرت او را شکوفا می‌کند و در نهایت می‌تواند به تعالی همه‌جانبه انسان و انسانیت کمک کند، چون این حالت، وجود و هستی انسانی را توسعه می‌دهد و زمینه اعتلای آن را فراهم می‌سازد؛ نتیجه آن شفابخشی دل‌های بیمار است و می‌تواند تحمل و مقاومت بیمار را در هنگام درمان بالا ببرد و به او روحیه و نشاط ببخشد. این شفابخشی تنها محدود به جسم بیمار نیست، بلکه شامل سایر عناصر مؤثر در ارتقای سلامت فردی، اجتماعی، محیطی و درگستره جهانی می‌شود. بدین معنا که این حالت اعتماد برای هر فرد و جامعه‌ای و در هر شرایطی که باشد، باعث افزایش نشاط و امید می‌گردد (۴). محققین معتقدند که

۵. بحث

شکوفایی فطرت و کمال و تعالی انسان، با غلبه بر عوامل بازدارنده و بهره‌مندی از سلامت روحی و معنوی امکان‌پذیر است و سلامت معنوی نردبانی است به سوی شکوفایی و فطرت آدمی.

۷. تقدیر و تشکر

لازم می‌دانم از ریاست محترم مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی که زمینه طرح این مسائل را گشوده‌اند و همچنین از تلاش سرکارخانم آقانه‌سی سپاسگزاری کنم.

۸. سهم نویسندگان

این مقاله تنها یک نویسنده دارد.

۹. تضاد منافع

با توجه به نبودن موضوع مقاله و فقدان هرگونه پیشینه‌ای در این موضوع، با منافع کسی در تضاد نیست.

۶. نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه گفته شد، فطرت که اختصاص به انسان دارد و برای هدایت انسان به سوی کمال و تعالی در جان انسان قرار داده شده است، هم تعلیم‌پذیر و هم آسیب‌پذیر است و زمانی می‌تواند به سوی تعالی سوق پیدا کند که روح و قلب انسانی صاف و از بیماری‌های روحی و معنوی در امان باشد. به تعبیر دیگر، روح و درونش درگیر بیماری‌هایی روحی چون هواپرستی، غرور، سرکشی، عصیان و... نباشد و زمانی می‌تواند ظرفیت‌های خود را فعلیت بخشد و راه کمال را پیماید که از مؤلفه‌های سلامت معنوی همچون اعتماد و توکل به خدا، رضایتمندی، امید، نشاط و آرامش درونی برخوردار باشد. این عوامل موتور حرکت‌بخش فطرت به سوی کمال‌خواهی و کرامت متعالی است. شاید بتوان گفت دلیل اصلی ارتباط تنگاتنگ سلامت معنوی و فطرت این است که خاستگاه مشترک هر دو قلب و ادراک معنوی و روحی می‌باشد؛ همان روح ملکوتی که انسان با آن عالم معنا و ملکوت را ادراک می‌کند و جهان را نوعی دیگر می‌بیند و رابطه با خود، دیگران و با خداوند را بر آن اساس تنظیم می‌کند. از این رو پویایی و

References

1. Arvaneh B, Mohammad M. Analysis and study of nature in the works of Shahid Motahhari. *Theological Knowledge* 2011; 2(1): 101-126. Available at: <http://www.kalami.nashriyat.ir/node/620>. [Persian]
2. Firouzi R. The Analytical Study of Anthropological Foundations of Health from Islamic Teachings Points of View. *Bioethics J* 2017; 7(24): 7-22. [Persian]
3. Abolghasemi MJ. Semantics of Spiritual Health and its Religious Scope. *Med Ethics J* 2012; 6(20): 45-68. [Persian]
4. Abolghasemi MJ. Inhibiting factors of spiritual health. *History Med J* 2015; 6(21): 211-233.
5. Abolghasemi MJ. Foundations, Pre-requisites and Strategies for the Realization and Promotion of Spiritual Health Based on Islamic teachings. *Med Ethics J* 2018; 12(43): e19. [Persian]
6. Allama Tabatabai MH. Tafsir al-Mizan. Translated by Mossavi MB. Qom: Islamic Publications; 1417 AH. Vol.7 p.378. [Persian]
7. Raghیب al-Esfahani H. The singular verbs of the word. Beirut: Dar al-Qalam; 1412 AH. p.650.
8. Ibne Manzur M. Beirut: Dar Sadr; 1414 AH. Vol.5 p.56.
9. Ayatollah Javadi Amoli A. Human natural instinct in Quran. *Religious Anthropology* 2010; 7(23): 5-28.
10. Motahhari M. Collections of Works (3). Tehran: Sadra; 2015.
11. Holly Qoran.
12. Ali ibn Abi Talib (AS), Imam Ali. Nahjbalaqeh. Qom: The Institute of Religion; 1414 AH. [Arabic]
13. Imam Khomeini SR. Forty Hadiths; an Exposition of Ethical and Mystical Traditions. Tehran: The Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works in Collaboration with the Qom-Based Ansariyan Publications; 2003.
14. Allama Tabatabai MH. Tafsir al-Mizan. Translated by Mossavi MB. Qom: Islamic Publications; Vol.16 p.187. [Persian]
15. Mohammad Rezaee M. A comparative study of the argument from common consensus and that from human innate nature for the existence of God. *Philosophical-Theological Research* 2009; 10(4): 109-125.
16. Moreno A. Jung, gods & modern man. Paris, Notre Dame: University of Notre Dame Press; 1970.
17. Tabatabai MH, Motahari M. Principles of philosophy and method of realism. Tehran: Sadra Publication; 2007. Vol.5.
18. Tamimi Amdi AW. Gharr al-Hakam and Darr al-Klam. Qom: Dareketab al-Islami; 1410 AH. [Arabic]
19. Abolghasemi MJ. Inhibiting factors of spiritual health. *History Med J* 2015; 6(21): 211-233.
20. Khakpour H, Hosoumi V, Goli M, Iranmanesh A. Educational functions of hope and its role in mental health in Quran point of view. *Bioethics J* 2013; 3(10): 59-92. [Persian]
21. Khakpour H, Hasoomi V, Nikoonejad Z. Basic functions of self-control and its role in mental health in view of Quran and narratives. *History Med J* 2015; 21(6): 149-183. [Persian]



Faṣḥnāmah-i akhlāq-i pizishkī i.e., Quarterly Journal of Medical Ethics

2019; 13(44): e20
doi: <https://doi.org/10.22037/mej.v13i44.23990>
Journal Homepage: <http://journals.sbm.ac.ir/me>



REVIEW RESEARCH

Open Access

The Role of Spiritual Health in Flourishing of Human Nature

Mohammad Javad Abolghasemi^{1*} 

1. The Organization for Researching and Composing University Textbooks in the Humanities (SAMT) and Department of Spiritual Health, Academy of Medical Sciences of Islamic Republic of Iran, Tehran, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article history:

Received: 17 January 2019

Accepted: 07 August 2019

Published online: 01 March 2020

Keywords:

Nature

Spiritual Health

Conscience

Dignity

Transcendent

ABSTRACT

Background and Aim: The issue of nature is one of the most complex and important topics that have been discussed by various religions, scholars and even psychologists. The purpose of this study is to explain the relationship between the nature and spiritual health, in order to investigate the effect of spiritual health on the nature flourishing.

Materials and Methods: In this narrative review, published books and articles were purposely searched in both manual and electronic manners in internal databases and were analyzed.

Findings: The innate sense of nature within human beings calls them towards the God and excellence. And only one can enjoy the capacities of nature in the path of evolution, which is spiritually healthy. Considering conscience as the common origin of human nature and spiritual health, by trimming and enlightening the conscience and confronting the deterrent factors and enjoying spiritual health, the ground is provided for flourishing of human nature and transcendence.

Ethical Considerations: Honesty and trustworthiness were observed in citing the texts.

Conclusion: The findings suggest some recommendations and strategies based on spiritual health with an inter-religious view for flourishing of human nature.

* Corresponding Author: Mohammad Javad Abolghasemi

Address: Institute for Researching and Development in the Humanities, SAMT, West of Yadegar Imam Bridge, Tehran, Iran.

Postal Box: 1463645851

Tel: (+98) 21 4426 3314

Email: abolghasemi110@gmail.com

Cite this article as:

Abolghasemi MJ. The Role of Spiritual Health in Flourishing of Human Nature. Faṣḥnāmah-i akhlāq-i pizishkī i.e., Quarterly Journal of Medical Ethics. 2019; 13(44): e20.